



University of Tehran press

Semantic components of the concept of "nostalgia" in the verbal culture of Iranians and Russians



Asghar Ghodrati* 0000-0002-6803-8211

Department of Russian language teaching Allameh Tabataba'i university Tehran. Iran

Email: asghar_ghodrati@atu.ac.ir

ABSTRACT

Nostalgia is considered a new phenomenon in linguistics and for this reason, many of its semantics are still unknown and unclear to linguists. Nostalgia is formed based on the emotional meaning load of a person towards the past, and because of this emotional meaning load, it can be searched in Persian literature in the form of mysticism and Sufism. The place of nostalgia is in the heart and soul of human. The equivalents of nostalgia in both Persian (hasrat/deltangi) and Russian (rocka) cannot fully convey the meaning of nostalgia. Therefore, more supplementary tools are used through linguistic and text dependents to convey this concept. It seems that linguistic equivalents in Persian have a wide lexical diversity. In the Russian verbal culture, the word rocka has a broader meaning of nostalgia than "longing" in the Iranian verbal culture. The concept of "longing for the homeland" in Persian language is expressed with the help of the combinations "homelessness" or "the sadness of being away from the homeland". In this particular case in the Russian language sub-expansions чужая страна (foreign country) or устраниа (foreignness) are used to convey this concept. Nostalgia can be equated with "sadness" and "regret". In the current research, library research and comparative descriptive linguistics methods have been used. The result and innovation of the present research, on the one hand, is related to identifying the semantic components of nostalgia, and on the other hand, it considers the classification of linguistic formulas of nostalgia in the two languages being compared.

ARTICLE INFO

Article history:

Received: 13 May 2024

Received in revised form
30 June 2024

Accepted: 01 July 2024

Available online:
Summer 2024

Keywords:

Nostalgia, semantics and linguistic structures, utopia, Persian language, Russian language

Ghodrati, A. (2024). Semantic components of the concept of "nostalgia" in the verbal culture of Iranians and Russians. *Journal of Foreign Language Research*, 14 (2), 219-233. <http://doi.org/10.22059/jflr.2024.376462.1126>



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2024.376462.1126>



انتشارات دانشگاه تهران

پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی

شاپای چاپی: ۴۱۲۳-۲۵۸۸ شاپای الکترونیکی: ۷۵۲۱-۲۵۸۸

https://jflr.ut.ac.ir

Email: jflr@ut.ac.ir

مؤلفه‌های معناشناختی مفهوم «نوستالژی» در فرهنگ کلامی ایرانیان و روس‌ها

✉ اصغر قدرتی*

ORCID ID: 0000-0002-6803-8211

گروه آموزش زبان روسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران.

Email: asghar_ghodrati@atu.ac.ir



چکیده

نوستالژی پدیده‌ای نو در زبان‌شناسی به حساب می‌آید و از همین روی بسیاری موارد معناشناختی و ساختار زبانی آن هنوز برای زبان‌شناسان ناشناخته و مبهم است. آنچه روشن است «نوستالژی» بر پایه بار معنایی عاطفی و احساسی انسان نسبت به گذشته شکل می‌گیرد و به سبب همین بار معنایی احساسی آن را می‌توان در ادب فارسی در قالب عرفان و صوفی‌گری جستجو کرد. جایگاه نوستالژی در روح و جان، دل و قلب انسان است. برابره‌های نوستالژی در هر دو زبان فارسی (حسرت و دل‌تنگی) و روسی (тоааа) نمی‌توانند به‌طور یکسان مفهوم نوستالژی را منتقل کنند. بنابراین از ابزار تکمیلی بیشتری از طریق وابسته‌های زبانی و متن برای رساندن این مفهوم استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد برابره‌های زبانی در زبان فارسی از تنوع واژگانی گسترده‌ای برخوردار هستند. در فرهنگ کلامی روسی، واژه тоааа از دربرگیری گسترده‌تر معنایی نوستالژی نسبت به «حسرت» در فرهنگ کلامی ایرانیان برخوردار است. مفهوم «دل‌تنگی برای میهن» در زبان فارسی به کمک ترکیب‌های «غم غربت» و یا «غم دوری از وطن» بیان می‌شود. در زبان روسی از گسترده‌های فرعی чужая ттрна (کشور غریب / غربت) و یا чужина (غربت) برای رساندن این مفهوم استفاده می‌شود. در پژوهش حاضر از روش تحقیق کتابخانه‌ای و زبان‌شناسی توصیفی مقایسه‌ای بهره گرفته شده است. نتیجه و نوآوری پژوهش حاضر از یک سو به مشخص کردن مؤلفه‌های معنایی دربرگیرنده نوستالژی مربوط می‌شود و از سوی دیگر، طبقه‌بندی فرمول‌های زبانی نوستالژی را در دو زبان مورد مقایسه مد نظر دارد.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۲/۲۴
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۱
تاریخ انتشار: تابستان ۱۴۰۳
نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

نوستالژی، معناشناسی و ساختارهای زبانی، اتوپیا، آرمان‌شهر، زبان فارسی، زبان روسی

قدرتی، اصغر. (۱۴۰۳). مؤلفه‌های معناشناختی مفهوم «نوستالژی» در فرهنگ کلامی ایرانیان و روسها. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱۴ (۲)، ۲۱۹-۲۳۳.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2024.376462.1126>



The Author(s)

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2024.376462.1126>

*ذوبیند مملابین الم لا اسکپوس و واکر و و و علم پژوهش نویسند مقابله همیشه بین الم لا مترجم کتیب از زبیر و و و مترجم رر ممقوه مقضذیب.

نوستالژی / حسرت، ویژگی‌ای است که تمام جامعه بشری، فارغ از سطح تحصیلات، وضعیت زندگی اجتماعی، سن و سال و دیگر معیارها می‌تواند آن را تجربه کند و علی‌رغم آنکه تشخیص و تعریف نوستالژی در علم روان‌شناسی روی داده است، اما امروزه آن را دیگر تنها یک بیماری روحی نمی‌شناسند. هر فردی دارای گذشته و خاطرات شیرینی است که مأمّن امن وی در پناه بردن به گذشته به حساب می‌آیند. هدف از پژوهش پیش‌روی، تمرکز بر یافتن مؤلفه‌های معناشناختی نوستالژی و در حد امکان یافتن ساختارهای زبانی مورد استفاده در دو زبان مورد مطالعه فارسی و روسی است. فرضیه پژوهش پیش‌روی، بر ارتباط اندیشه بشر و احساسات با فرهنگ است. و از آنجاکه نوستالژی مربوط به حوزه احساسات انسان می‌شود از این روی الگوهای زبانی مورد استفاده می‌تواند دال بر گوناگونی اندیشه در میان دو ملت ایران و روسیه باشد.

۲. پیشینه تحقیق

محمدامین احسانی اصطهباناتی و منیژه عبداللهی به موضوع تصویرسازی اندوه و حسرت در اشعار سیاوش کسرایی پرداخته‌اند (احسانی اصطهباناتی، عبداللهی، ۱۳۹۷)؛ یدالله جلالی پندری، محمد کاظم کهدویی و مژگان میرحسینی عنصر حسرت را در اندوه‌یادهای شاعران معاصر بررسی کرده‌اند (جلالی پندری و همکاران، ۱۳۸۹)؛ معصومه صادقی پدیده نوستالژی و غم غربت را در شعر نادر نادرپور مد نظر قرار داده است (صادقی، ۱۴۰۰)؛ موضوع پژوهش احمد غنی پور ملکشاه، نادر ابراهیمیان و امیرحسین ابراهیمیان، بررسی تطبیقی مفهوم نوستالژی در اشعار سهراب سپهری و قیصر امین‌پور است (غنی پور ملکشاهی و همکاران، ۱۳۹۴)؛ مستوره دادور کاشانی و سید حامد موسوی جروکانی به طرح‌واره‌های تصویری حسد و حسرت در بوستان سعدی پرداخته‌اند (دادور کاشانی و موسوی جروکانی، ۱۴۰۱). یوسف عالی عباس آباد، نوستالژی و حسرت را در آثار منوچهر آتشی، نادر نادرپور و مهدی اخوان ثالث بررسی کرده است. از نظر ایشان تقریباً این حس در آثار تمام شاعران و هنرمندان ایرانی دیده می‌شود (عالی عباس آباد، ۱۳۸۷). عظیم یوسفی، محمد حکیم آذر و مظاهر نیکخواه در پی مفهوم نوستالژی در اشعار حسین پناهی هستند (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۸). آن‌گونه که از پیشینه صورت‌گرفته در موضوع پژوهش برمی‌آید، غالب تحقیقات انجام‌گرفته در حوزه زبان فارسی به دایره شعر مربوط می‌شود. با این حال، در این پژوهش‌ها، بیشتر نگاه فضاسازی در بررسی مفهوم نوستالژی

در آثار ادیبان ایرانی مدنظر بوده است؛ پژوهش مستوره دادور کاشانی و سید حامد موسوی جروکانی از این نظر با دیگر پژوهش‌های صورت‌گرفته متفاوت است به طوری که نمونه‌های زبانی را بر اساس نظریه طرح‌واره‌های تصویری مارک جانسون بررسی می‌کنند؛ دیدگاه مستوره دادور کاشانی و سید حامد موسوی جروکانی بیشتر به حوزه اخلاق و دین مربوط می‌شود. نگاه سمیه عبداللهی نجات، محمدزمان احمدی و عبدالرضا مدرس‌زاده به نوستالژی از زاویه عرفان است. بر اساس پژوهش‌های صورت‌گرفته پژوهشگران ایرانی مفهوم نوستالژی را بیش از هر چیز در پیوند عمیق با آثار ادبی به‌ویژه شعر فارسی یافته‌اند. تمایز واضح پژوهش سمیه عبداللهی نجات و همکاران وی، در نگاه نوی ایشان به مفهوم نوستالژی و غربت است که آن را پی‌مایه‌ای معنوی و روحانی در معنای دوری انسان از آفریدگار خود که از موضوعات ادبیات عرفانی اسلامی است، یافته‌اند (عبداللهی نجات و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۳۳-۲۳۴). در پژوهش‌های روسی دانشمندانی چون مارتینوف در زمینه بار معنایی، لاسکی در مورد آرمان‌شهر و نومییدی، أبراموف، ماسلی و یوگنیوا درباره نوستالژی و آثار آن سخن رانده‌اند که در تحقیق حاضر از آنها استفاده شده است. وژیبتسکایا، چسناکوا، شربینین، واراویووا، راسکاتووا و اسمیرنوف محققان برجسته‌ای هستند که به تحلیل اتوپیا، نوستالژی و بار معنایی پرداخته‌اند.

۳. روش تحقیق

مواد پژوهش پیش‌روی به دو شکل گردآوری شده است: کتابخانه‌ای و نیز مراجعه به «بدنه ملی زبان روسی» (НКРЯ). روش پژوهش عبارت است از زبان‌شناسی توصیفی مقایسه‌ای بین زبان‌های فارسی و روسی.

۴. بحث و بررسی

۴-۱- مفهوم «اتوپیا»

اصطلاح اتوپیا utopia / утопия برای نخستین بار توسط توماس مور (۱۴۷۸-۱۵۳۵) به کار گرفته شد؛ این واژه یونانی متشکل از دو جزء ou (نا) و topos (کجا) است و در معنای «جایی است که وجود ندارد» و «ناکجاآباد» آمده است و آن سرزمین‌های دوردست است که تنها به صورت خیالی در اذهان وجود دارد. برابر «اتوپیا» / «آرمان‌شهرگرایی» در ادب فارسی اشتیاق برای یافتن «آرمان‌شهر»، «شهر آرمانی»، «مدینه فاضله» و «بهشت گم‌شده» آمده است. اتوپیا در فرهنگ کلامی روسی به شکل потерянный рай (بهشت گمشده) آمده است. اتوپیا سبکی است که اساس آن بر تصویرسازی «کشوری خیالی» بنا نهاده شده که نمونه‌ای از یک ساختار

اجتماعی ایدئال است، از همین روی در اندیشه روسی آن را می‌توان ترکیبی از «آرزوی محقق نشده» *неосуществимая мечта* و «خیال-بافی» *фантастика* یافت.

اتوپیا تمایل به دیدگاهی است که امید به روزهای بهتر را در آینده در خود دارد. امروزه پژوهشگران بر تنوع معنایی نهفته در اتوپیا تأکید دارند، برای نمونه دی. مارتینوف از ۱۳ معنا برای این اصطلاح نام می‌برد که امروزه از آنها استفاده می‌شود: اتوپیا در نقش یک سبک ادبی، در نقش رویایی تحقق نیافتنی و آینده‌ای زیبا؛ در نقش یک جامعه واقعی، اتوپیا به عنوان تلاش برای اجرای یک ایدئال ویژه؛ به عنوان «مداخله جهانی»، به عنوان گونه‌ای از آگاهی ناشی از ناسازگاری تجربه شده از شرایط عدم هماهنگی میان دنیای بیرون و درک درونی؛ به عنوان گونه‌ای از گذشته‌ای که صورت ایدئال تلقی می‌شود؛ در معنای سوسیالیسم اتوپایی؛ به عنوان اصطلاحی در معنای «مکان دیگر» که حتی می‌تواند «مجازی» باشد؛ اتوپیا به عنوان یک مدل اقتصادی ناکارآمد مانند «پول‌گرایی»؛ اتوپیا تاریخی به عنوان ایدئال‌سازی گذشته‌نگر؛ اتوپیا مذهبی، تلاش برای ساخت زندگی کامل جوامع مذهبی؛ اتوپیا علمی و فنی بر پایه باور به پایان گرفتن مشکلات اجتماعی به کمک تکنوکراسی (ژلتیکووا ۲۰۱۳: ۳۰۲). گفتنی است اتوپیا و ایدئولوژی در تضاد با یکدیگر قرار دارند: ایدئولوژی نظام موجود را توجیه می‌کند، در حالی که اتوپیا آن را نفی می‌کند (محمدی منفرد، ۱۳۸۷: ۳۷).

شمار عظیم پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه اتوپیا را با توجه به تفسیرهای انجام گرفته بر روی این پدیده می‌توان در سه حوزه اصلی ادبی، حوزه جهان‌بینی اتوپیا و حوزه اجتماعی فلسفی تقسیم کرد. اتوپیا، مادامی که بشر وجود دارد، موجودیت خواهد داشت. در پاسخ به این سؤال که آیا اتوپیا از ابتدا وجود داشته است باید گفت پاسخ منفی است. اسطوره‌های باستانی در عصر طلایی که بعدها به شکل ایدئالی برای آرمان شهرهای اجتماعی درآمدند، از المان‌های آرمان شهری برخوردارند. اتوپیا و آرمان شهری تنها در آن لحظه‌ای پدیدار می‌گردد که میان واقعیت و زندگی بشر و ایدئال زندگی شکافی عمیق ایجاد شود. افلاطون که صورت کلاسیک از آرمان شهری را بنا نهاد. م. لاسکی بر این باور است که آرمان شهر در نتیجه یأس و نومیدی حاصل می‌شود، اما آرمان شهر، نشانه ضعف نیست، بلکه برعکس، نمایش قدرت بشر است. اتوپیا نتیجه بی‌نهایتی

ابدی بشر و نارضایتی ابدی اوست. اتوپیا، پیشرفتی به سوی ماورایی است که به انسان کمک می‌کند تا از مرزهای ماهیت و ذات خود پا فراتر نهد. هم‌زمان، اتوپیا فراخوان به واقعی ساختن یک زندگی ایده‌آل و در عین حال، آگاهی از نبود امکان انجام آن است. اتوپیا، شورش متافیزیکی در مقابل شکاف فزاینده میان واقعیت (جهان) و انسان است. آرمان شهر همواره «متنی شخصی» و روایتی ساده از خوشبختی است (اسمیرنوا،^۲ 2011: 146).

در زبان فارسی «شهر آرمانی» و یا «آرمان شهر» دو ساختار مترادف برای «اتوپیا» هستند که ساختار نخست شامل اسم و صفت است و ساختار دوم، اضافه مقلوب است که در آن جای اجزاء «شهر» و «آرمان» تغییر یافته است. هر دو برابر اصطلاح مذهبی اسلامی «مدینه فاضله» هستند که از آن در ادبیات فارسی به «بهشت گم‌شده» تعبیر می‌شود. این عبارتها در زبان فارسی با افعالی چون «در جستجوی ... بودن»، «در پی ... بودن»، «در پی یافتن ... بودن»، «در رویای ... به سر بردن» و مانند آن همراه می‌شوند. سخن از جستجوی یافت‌نشده است. از نظر معناشناسی، اتوپیا در پیوند معنایی مستقیم پیش-آیندی و یا پس‌آیندی دوری از میهن در قالب «سفر» و یا «مهاجرت» اختیاری / اجباری است. نارضایتی از شرایط میهن موجب مهاجرت و ترک وطن می‌شود. بنابراین در وهله نخست، عامل محرک وجود حس نارضایتی است که محرک انجام سفر به مکان دیگر که از دور مدینه فاضله انگاشته می‌شود، می‌گردد. اما این مدینه فاضله نیز آرمانی نیست؛ در این مرحله از تغییرات احساسی انسان، شکل‌گیری حس نوستالژی اتفاق می‌افتد. نوستالژی به رشد احساسی بشر مربوط می‌شود. از این حس نومیدی از یافتن آرمان شهر رویایی در فرهنگ کلامی روسی به *русская зелёная тоска* «دل‌تنگی سبز روسی» تعبیر و تفسیر می‌شود. فرآیند کلی این روند از اتوپیا تا نوستالژی را می‌توان این‌گونه توصیف کرد: غالب شدن نومیدی بر فرد از زیستن در مکانی، نارضایتی از زیستن در مکانی که ایدئال تلقی نمی‌شود ← جبر (تبعید) و اختیار (مهاجرت) در ترک میهن ← جستجوی آرمان شهر / اتوپیا ← نیافتن آرمان شهر ← شکل‌گیری حس نوستالژی نسبت به گذشته شیرین ← غالب شدن حس نومیدی، درد و غم، حسرت و افسوس (تجربه توأمان تلخ و شیرین). اتوپیا در آثار ادبای روس بدین‌گونه تعریف شده است:

² Smirnova

¹ Zheltikova

Любая утопия, будь она хорошая или плохая, непременно порождает мерзкие методы, потому что утопия неосуществима в принципе. Пытающиеся ее реализовать сталкиваются с невозможностью это сделать — и неизбежно применяют силу (Войнович Владимир Николаевич).

هر آرمان شهری، چه خوب و چه بد، مسلماً روش‌های منجرکننده را سبب می‌شود، چرا که تحقق آرمان شهر از نظر منطقی غیرممکن است و کسانی که برای تحقق آن کوشش می‌کنند، بر غیرممکن بودن آن آگاه می‌شوند و ناگزیر نیروی خود را صرف آن می‌کنند (ولادیمیر نیکلایویچ واینویچ).

Но всякая утопия тем и сильна, что, словно бессмертный чертополох, заваленная в одном месте, она может вынырнуть совершенно в другом (Можаев Борис Андреевич).

اما هر آرمان شهری از آن جهت قدرتمند است که چون خار جاودانه‌ای که در یک مکان جای گرفته است، می‌تواند در مکانی کاملاً متفاوت از زیر خاک سر درآورد (موژائف بوریس آندریویچ).

۴-۲. مفهوم «نوستالژی»

به‌کارگیری واژه نوستالژی به قرن هفدهم و سال ۱۶۸۸ بازمی‌گردد. جی. هوفر - پزشک سوئسی - برای نخستین بار از واژه نوستالژی برای توصیف یک بیماری روحی روانی استفاده کرد. شکل روحی و روانی این بیماری به‌عنوان «مالیخولیا» شناخته می‌شود. طی قرن‌های ۱۷ و ۱۸ موارد نوستالژی در میان ارتش غالب کشورهای اروپایی مشاهده شد. ناپلئون سربازان ارتش خود را از نواختن موسیقی محلی منطقه خویشتن در زمان جنگ منع می‌کرد، چرا که معتقد بود موجب نوستالژی و زوال روحی و فرار سربازان از میدان جنگ می‌شود (آبراموف، ۲۰۱۲: ۷۲).

طی قرن نوزدهم نوستالژی همچنان یک بیماری روانی مربوط به آن گروه از مردمانی به شمار می‌آمد که مدت مدیدی را دور از خانه خود به سر می‌بردند. برای نمونه، نوستالژی در میان کارگران مهاجری که در نتیجه صنعتی شدن از روستاها به شهرها مهاجرت کرده بودند، شایع بود. این همه، موجب شد که درک حاصل از مفهوم نوستالژی از یک بیماری کاملاً

پزشکی و فیزیولوژیکی که با اختلالات روحی روانی در ارتباط است، به یک مفهوم عاطفی احساسی تغییر یابد (آبراموف، ۲۰۱۲: ۷). بعدها، در قرن نوزدهم، نوستالژی به گفتمان راه یافت و دایره معنایی آن گسترش پیدا کرد (ماسلی، ۲۰۱۶: ۱۹۶-۱۹۲). تعاریف امروزی نوستالژی ماهیتی خنثی پیدا کرده‌اند و مفاهیم منفی پزشکی و روانپزشکی دیگر از آن رنگ باخته است.

در قرن بیستم، اشتیاق به گذشته معنای استعاری نویی یافت که تدائی کننده گذار از جابه‌جایی مکانی به زمان گذشته است. نوستالژی در ارتباط تنگاتنگ با مفاهیم حافظه اجتماعی، حافظه جمعی یا حافظه فرهنگی قرار دارد که چگونگی تولید، تغییر، جذب و مشروعیت بخشیدن به خاطرات را در یک جامعه اجتماعی و فرهنگی خاص توضیح می‌دهد (پیکرینگ، ۲۰۰۶: ۹۴۱-۹۱۹).

نوستالژی در معنای دلتنگی برای میهن، زادگاه و خانه است و آن از دو جزء nostos در معنای «بازگشت به منزل» و algos در معنای «درد و رنج» تشکیل شده است. (یوگنیوا، ۲۰۱۱: ۵۱۱، T.2, 1984, 1983). بدین ترتیب، برای نوستالژی می‌توان مؤلفه‌های معنایی زیر را مشخص کرد: «بازگشت»، «منزل»، «گذر زمانی» / «فاصله گرفتن زمانی»، «گذر مسافت مکانی»، «خاطرات»، «غم و اندوه»، «حسرت و افسوس». مؤلفه «یاد» و «خاطرات» را نیز به نوبه خود می‌توان به شکل زیر بسط داد: الف) به خاطر آوردن این خاطرات هم‌زمان با شیرینی و تلخی همراه است؛ ب) در این خاطرات، پاره‌ای موضوعات از گذشته پابرجاست، و پاره‌ای دیگر دست‌یافتنی نیست. آنچه از خاطرات گذشته باقی مانده است عامل ایجاد نوستالژی در انسان می‌شود.

ی.و. واسیلی به موضوع پویایی واژه نوستالژی به‌عنوان نمونه‌ای از مکانیسم وارونگی شکل‌گیری معنا می‌پردازد. پویایی معانی نوستالژی نه تنها از منظر زبانی، بلکه از نظر انسان‌شناسی مورد توجه است، چرا که بیانگر تغییرات انسان و زندگی او در طول سه و نیم قرن گذشته است. نوستالژی در ارتباط مستقیم با خاطرات گذشته است. گذشته‌ای شیرین که در تلاطمات زندگی امروزی، انسان تمایل به بازگشت به آن را دارد، اما این بازگشت از نظر زمانی غیرممکن است (چسناکوا، ۲۰۱۶: ۱۲۶).

⁶ Pickering

⁷ Evgenieva

⁸ Chesnokova

³ Abramov

⁴ Abramov

⁵ Maslii

مفهوم «حسرت» به تجربیات و یادها / خاطرات انسان مربوط می‌شود. آن قسمت از این تجربیات و خاطرات که به زندگی گذشته خود شخص مربوط می‌شود، در چهارچوب مفهوم نوستالژی می‌تواند قرار گیرد؛ و آن قسمت که به تجربه‌های وی از زندگی نزدیکان / دیگران مربوط می‌شود، در قالب مفهوم «حسد» جای می‌گیرد. حسرت زندگی دیگران (حسد ورزیدن) نمی‌تواند در مقوله نوستالژی قرار گیرد (در این باره بنگرید به: **دادور کاشانی، موسوی جروکانی، ۱۴۰۱: ۱۸۰-۱۶۱**). در حسرت در چهارچوب معنای نوستالژی، عناصر «گذشته» و «یاد و خاطره» نهفته است. نوستالژی در معنای غم غربت، حسرت و دل‌تنگی برای گذشته و اشتیاق برای بازگشت به گذشته، احساس حسرت و دل‌تنگی برای وطن، از دست رفتن جوانی و مانند آن است (**غنی پور ملک‌شاه و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۳۹**). حسرت بر گذشته (بازگشت احساسی به گذشته و واکاوی آن) به‌طور عمده می‌تواند شامل موارد زیر باشد: الف) دل‌تنگی برای میهن و زادگاه؛ ب) غم غربت؛ پ) یاد ایام وصال (یادآوری خاطرات) باشد (**صادقی، ۱۴۰۰: ۱۳۷**) و این‌ها، همه حاصل «**میل بازگشت به گذشته آرمانی غیرممکن**» است (**یوسفی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۷**). این بازگشت احساسی به گذشته عموماً با احساس‌های غم و اندوه، **پشیمانی، دل‌تنگی، انتظار و فراق، حسرت و افسوس** همراه می‌شود. حسرت و غم غربت به‌عنوان عنصر اصلی تشکیل دهنده مفهوم نوستالژی در ارتباط مستقیم با **بُعد زمانی** قرار دارند (**جلالی پندری و همکاران، ۱۳۸۹: ۷**). این بعد زمانی به شکل تقابل گذشته و آینده در ذهن انسان و آرزوی بودن در گذشته نمایان می‌شود. مؤلفه‌های اصلی غم‌غربت عبارتند از ۱) دل‌تنگی برای گذشته، ۲) گرایش برای بازگشت به میهن و زادگاه، ۳) یادآوری خاطرات همراه با احساساتی چون حسرت، افسوس و دل‌تنگی، ۴) پناه بردن به خاطرات دارای پی‌مایی حسرت، ۵) اسطوره-پردازی، ۶) آرکائیسیم (باستان‌گرایی)، ۷) پناه بردن به آرمان شهر. اسطوره‌پردازی از نمودهای غم‌غربت است. در واقع، اسطوره‌ها، جهان آغازین و یا «بهشت از دست رفته» را بازسازی می‌کنند. با این دیدگاه، اسطوره‌پردازی نیز از بار معنایی نوستالژی برخوردار است. **کهن‌گرایی / آرکائیسیم** و استفاده از واژه‌های منسوخ و کهن نیز از ابزار بیان حس نوستالژی نسبت به گذشته از دست رفته است. **آرکائیسیم** ابزاری برای فضاسازی دنیای کهن است (**عالی عباس آباد، ۱۳۸۷: ۱۵۷**).

نوستالژی رویای شیرین دردناک گذشته تجربه شده است که بازسازی و بازگشت به آن محال و ناشدنی است. نوستالژی، مستولی شدن آن غم و اندوهی بر انسان است که با حس لذت همراه است. روان‌شناسان، فیلسوفان و زبان‌شناسان پربسامدترین گونه نوستالژی را غم غربت می‌دانند (**شاملو، ۱۳۵۷: ۱۱**). مفهوم وطن در نقطه مقابل تبعید و راندن قرار دارد و همین وضعیت محرک برانگیختن حس غمگین و تلخ نوستالژی است. تبعید، استعاره‌ای است که تجربه بیگانگی را نمایش می‌دهد. تبعید با مکان مشخصی در ارتباط نیست و عین بی‌مکانی و بی‌خانمانی است. احساس دوری از وطن زمانی تجربه می‌شود که از دست می‌رود، یعنی در غربت. به سبب پیچیدگی، انزوای معین و اصالت مفهوم دل‌تنگی در ذهنیت روسی، نوستالژی موضوع آثار پژوهشگران مدرن روسیه گردیده است. معناشناسی این مفهوم شامل احساسات مختلفی چون از دست دادن، نومییدی و «دل‌تنگی سبز در اندیشه روسی» است که غیرقابل بازگشت است؛ این احساس می‌تواند از یکنواختی فضای اطراف الهام گرفته شود (**چسناکوا، ۲۰۱۶: ۱۲۶**).

ادبا حسرت آمده در نوستالژی را با اصل **گریز و سیاحت** در مکتب رمانتیک در ارتباط دانسته‌اند که سبکی از تجربیات روحی و روانی شخص (آزردگی از محیط کنونی و فرار به مکان دیگر) موجب شکل‌گیری آن است و نتیجه آن، بازگشت بر بال «خیال» به مکان گذشته (دنیای گذشته همراه با رویاپردازی) است که از اصول رمانتیک به شمار می‌آید (**سید حسینی، ۱۳۶۶: ۹۲**). سفر در بُعد زمان به **گذشته آرمانی** از موضوعات علم عرفان ایرانی به حساب می‌آید. از همین روی نوستالژی در ادب فارسی در ارتباط نزدیکی با عرفان و صوفی‌گری قرار می‌گیرد و مفاهیمی چون «خلوت‌گزینی»، «چله نشینی»، «گوشه عزلت نشستن» و مانند آن را به وجود می‌آورد.

نوستالژی واژه‌ای فرانسوی در معنای «بازگشت درد و رنج» است و آن، از حوزه روان‌شناسی وارد علوم انسانی و از آنجا وارد ادبیات گشته است و به معنای «دل‌تنگی برای میهن یا خانه و خانواده، غم غربت، حسرت گذشته، و آرزوی بازگشت به آن است». روشن است که از روش‌های ابراز نوستالژی، **منظره-سازی مفهومی** در معنای حسرت بازگشت به **گذشته آرمانی** است. در شعر نیمایی و سپید، دروغ و حسرت بیشتر به واسطه تصویر بیان شده است و از واژگان کمتر بهره گرفته شده است (**جلالی پندری و همکاران، ۱۳۸۹: ۸**). در اندوه‌یادهای شاعران معاصر ایرانی، حسرت زیربنای غم غربت و نوستالژی است و

بیشتر مربوط به بعد زمانی دوری از دوست / وطن است. شاعر می تواند برای بیان حسرت از روش فضا سازی استفاده کند: به انتظار تصویر تو / این دفتر خالی / تا چند / تا چند / ورق خواهد خورد؟ (شاملو، ۱۳۷۲: ۱۱) (به نقل از جلالی پندری و همکاران، ۱۳۸۹: ۸). حسرت و غم غربت یکی از عناصر اصلی مرثیه‌ها و اندوهیادها را در ادبیات تشکیل می‌دهند. از جمله می‌توان به اندوهیاد شاعری در سوگ و از دست دادن شاعری دیگر اشاره کرد، مانند شعر شاملو در سوگ فروغ؛ و شعر لرمانتوف در سوگ پوشکین.

نوستالژی مربوط به خودآگاهی فردی و یا جمعی نسبت به گذشته است که آن را می‌توان به دو بخش اصلی «حافظه فردی» و «حافظه جمعی» تقسیم کرد. حافظه جمعی نوستالژی در خصوص مردم روسیه به‌طور کلی به مقوله‌هایی چون بازگشت احساسی به دوران شوروی و خاطرات جنگ میهنی (۱۹۴۵-۱۹۴۵)، و نیز مراسم برگزاری جشن پیروزی بازمی‌گردد (در خصوص نوستالژی دوران پس از شوروی بنگرید به: **وارابیووا**^{۱۱}، 2009: 22-28؛ **شربینین**^{۱۲}، 2010: 7-23). بخشی از نوستالژی و دلتنگی شکل گرفته در میان روشنفکران روسیه مربوط به مهاجرت داوطلبانه و یا اجباری از روسیه است. نوستالژی میهن، بازتاب‌دهنده احساسی است که روشنفکران روسی تجربه کرده‌اند. فرد در حالت مالیخولیایی همیشه نمی‌تواند علت نومیدی و راه نجات را بیابد (**تاباکووا**^{۱۳}، 2017: 50). در شکل‌گیری مفهوم «وطن» در محافل روشنفکران روس خارج از کشور جای ویژه‌ای به هنر و به‌ویژه شعر و موسیقی اختصاص یافته است. و.م. امیروف و د.س. کُلچین براین باورند که حتی ایدئولوژی‌های سیاسی - از جمله دوران پس از شوروی نسبت به دوران شوروی - نیز می‌توانند دارای ویژگی نوستالژی باشد (**امیروف**^{۱۴}، 2023: 18). حسرت بازگشت به گذشته در خصوص جامعه فارسی‌زبان را برای نمونه می‌توان در پیوند احساسی تاجیک‌ها به *ایران* فرهنگی و عشق ایشان به ادب و فرهنگ و تاریخ ایران شاهد بود.

موضوع نوستالژی و دایره ابزار بیان آن از گستردگی بسیاری برخوردار است. این موضوع به شکل ویژه محورهای اصلی ادبیات و هنر، از جمله تئاتر و سینما، نقاشی، موسیقی و ... را به خود اختصاص می‌دهد؛ همچنین چیدمان و موضوعات موزه و عناصر معماری و دکوراتیو نیز می‌توانند از ابزار بیان نوستالژی واقع گردند. این نمادهای نوستالژی در زندگی روزمره

بشری گاه پا از به یادآوردن خاطرات، قصه و داستان‌های گذشته را نقل کردن و شنیدن و تماشای المان‌های دربردارنده حس نوستالژی برون گذاشته به کمک «حس بویایی» و حتی «حس چشایی» منتقل می‌شوند. برای نمونه می‌توان نوشتابه *بایکال* Байкал را نام برد که در سال ۱۹۷۳ در اتحاد جماهیر شوروی تولید می‌شد و به سرعت از محبوبیت برخوردار شد. این نوشیدنی طعم دلپذیری از میوه درخت کاج دارد که بسیار مورد علاقه مردم اتحاد جماهیر شوروی بوده است؛ و نیز نوشتابه *ترخون* Тархун که از گیاه ترخون قزاقستان تهیه می‌شود (در این باره بنگرید به: **زیکوفسکایا**^{۱۵}، 2015: 85-90). امروزه هر دوی این نوشیدنی‌ها از طریق چشایی، حس نوستالژی دوران شوروی را در مردم روسیه ایجاد می‌کنند.

۴-۳- ابزار زبانی بیان دست دادن حس نوستالژی بر

انسان در زبان‌های فارسی و روسی

«نوستالژی» واژه‌ای نو در زبان‌های روسی و فارسی محسوب می‌شود. برابرهایی نوستالژی در فرهنگ کلامی ایرانیان و روس‌ها به شکل کلی به صورت ذیل است: دلتنگی / حسرت برای میهن тоска по родине. دلتنگی و حسرت برای گذشته тоска по прошлому. به عبارتی از برابرهایی тоска در روسی و «حسرت / دلتنگی» در فارسی به همراه گسترده‌های زبانی по прошлому («برای گذشته» و родине («برای میهن» / «مادری» / «سرزمین مادری» و «چیزی؟» بهره گرفته می‌شود.

علاوه بر آن، آمدن گسترده‌های по родине «برای میهن» و по прошлому «برای گذشته» در هر دو زبان مورد بررسی برای شکل‌گیری معنای کامل «نوستالژی» الزامی است و حذف آنها به معنا آسیب وارد می‌سازد. در زبان روسی دایره معنایی واژه نوستالژی که یک واژه یونانی است، با تغییر معنایی آن از طرح انتزاعی «مکان < زمان» و به کمک ساختار «? / чому? / кому? + по ностальгия» انجام می‌گیرد و ساختار مترادف معنایی آن در روسی «... + по тоска» است. ادبای روس، هنجار ادبی را در ترکیب این واژگان بدین ترتیب حفظ می‌کنند که اسم тоска (دلتنگی) در مورد دلتنگی برای انسان‌ها به کار می‌رود: тосковать по родным и любимым людям (دلتنگ انسان‌های خویشاوند و دوست‌داشتنی بودن)؛ درحالی که ностальгия (نوستالژی)

³³ Amirov

⁴⁴ Zikhovskaya

⁰⁰ Vorobiova

¹¹ Sherbinin

²² Tabakova

در ارتباط با «مام میهن»: испытывать ностальгию по родине (نوستالژی میهن را تجربه کردن) (تاباکووا^{۵۵}؛ ۲۰۱۷: ۵۵) و «گذشته» به کار می‌رود. این معنا در حوزه فرهنگ کلامی ایرانی نیز نسبتاً به شکل مشابهی است: دلتنگی عموماً برای افراد به کار می‌رود و نوستالژی و حسرت، هر دو، برای گذشته و خاطرات استفاده می‌شوند و نوستالژی به صورت مشخص با میهن و زادگاه در ارتباط است. این قانون معنایی را نمی‌توان صددرصد تعمیم داد، ولی از عمومیت برخوردار است. نوستالژی از نظر آوژیستسکایا در فرهنگ روسیه بیانگر مفاهیم فرهنگی душа (روح) و судьба (سرنوشت) و ویژگی‌های ملی مردم روسیه است (وژیبتسکایا^{۵۶}؛ ۱۹۹۶: ۳۳). در عبارت ثابت тоска по родине «دلتنگی برای میهن» که زبان‌شناسان آن را برابر معنایی ностальгия «نوستالژی» دانسته‌اند، واژه тоска (حسرت، دلتنگی) برابر боль «درد» و страдание «رنج» به‌طور توأمان است. این، دال بر آن است که نوستالژی از گونه روسی آن به معنای تجربه تأثرات روحی و معنوی در بیشترین حد آن است. «حسرت / دلتنگی به معنای وضعیت ناامیدی محض است که همراه با تاریکی و فشار غم‌انگیز بر روح و دل انسان و نگرانی عمیق روحی است» (بابنکو^{۵۷}؛ ۲۰۰۷: ۴۰۲).

در زبان فارسی از جهت غریبگی «نوستالژی» و تقلید از صورت‌های «بیولوژی» و «رادپولوژی» در مواردی کاربرد غلط «نوستالژی» به شکل «نوستالوژی» مشاهده می‌شود. این، حاصل ادراک ناقص عامه مردم از معنای «نوستالژی» در زبان فارسی است. به نظر می‌رسد یافتن برابر کامل معنایی برای واژه نوستالژی در زبان‌های روسی و فارسی ممکن نیست. «حسرت» به‌عنوان مترادف فارسی نوستالژی می‌تواند ترکیب‌های فعلی زیر را در زبان فارسی شکل دهد: حسرت خوردن، حسرت کشیدن، حسرت بردن. دو صورت حسرت کشیدن و حسرت بردن دلالت بر سنگینی (тяжесть) حس نوستالژی بر روح و قلب انسان دارد. گسترش این صورت‌های زبانی به کمک حالت اضافی اسمی که موضوع نوستالژی است پس از «حسرت» همراه با افعال «خوردن»، «کشیدن» و «بردن» انجام می‌شود؛ برای فعل «خوردن»، حالت اضافی پس از حرف اضافه «برای...» نیز متمایز است: حسرت... را خوردن / کشیدن / بردن؛ برای... حسرت خوردن. در این موارد، فعل «کشیدن» بر دیرینه بودن و تداوم عمل نوستالژی دلالت دارد

و فعل «بردن» بر آنکه برای ایجاد نوستالژی گذشت بُعد زمانی لازم است. همچنین، مؤلفه معنایی فعل «بردن» نشان می‌دهد که نوستالژی بر ما تأثیرگذار است و ما بر این احساس تأثیرگذار نیستیم. فعل «خوردن» نیز ساختاری مترادف با «غم و غصه خوردن» را در ذهنیت ایرانیان در مورد نوستالژی شکل می‌دهد. قرار گرفتن انسان در حس نوستالژی و دلتنگی به سبب پویایی احساسی نوستالژی و نیز غیرارادی بودن و غیرکنترل بودن آن توسط انسان به کمک ساختارهایی که انسان در آن، در حالت دستوری غیر از حالت فاعلی قرار می‌گیرد، شکل می‌گیرد و این نشانگر چیرگی و قدرت حس دلتنگی و حسرت بر گذشته بر انسان است. اسم «حسرت» در حالت متممی همراه با حرف اضافه «در» به فراوانی همراه با فعل «بودن» به کار می‌رود: «در حسرت گذشته بودن / سر کردن» و کاربرد حالت «دری» نمایانگر آن است که نوستالژی انسان را محاصره می‌کند. بر خلاف اندیشه ایرانیان، در فرهنگ کلامی روسی نوستالژی در حالت فاعلی می‌آید: من در حسرت گذشته هستم. У меня тоска по прошлому. (نزد من، حسرت گذشته است. در این ساختار دستوری، «حسرت» در حالت فاعلی آمده است. کاربرد حالت دری برای نوستالژی در ذهنیت ایرانیان دلالت بر آن دارد که «نوستالژی»، فراگیرنده است (نوستالژی محیط انسان است) و انسان محاط آن است. «در حسرت بودن» مترادف ساختاری «در اتاق بودن» است و از این روی نشان می‌دهد که محیط روحی نوستالژی بر انسان تسلط دارد و حس نوستالژی دست داندنی است، نه ایجاد شدنی. فرمول دری دیگری که در آن حسرت در زبان فارسی به کار می‌رود، اصطلاح «در کنج حسرت نشستن» است که کنایه از افسرده بودن و غصه خوردن برای گذشته دارد (دادور کاشانی، موسوی جروکانی، ۱۴۰۱: ۱۷۳).

در فارسی، ترکیب «حسرت (کسی را) فرا گرفت» حکایت از کاربرد فعل لازم یک شخصه برای دست دادن حس نوستالژی دارد که نشان از غیرارادی بودن آن است و درگیری آن با احساسات انسان است. در این حالت، «انسان» در حالت غیرفاعلی قرار می‌گیرد. از این جهت روسی و فارسی همسو هستند، چون فعل‌های احساسی با صورت‌های غیرفاعلی انسان می‌آیند. فرمول زبانی دیگر مترادف این ساختار در فارسی «غمم گرفت» است.

⁷⁷ Babenko

⁵⁵ Tabakova

⁵⁶ Vezhbtskaya

مترادف دیگر نوستالژی در زبان فارسی، اسم «دل‌تنگ» است که برخلاف حسرت، بدون حرف اضافه به کار می‌رود و از بسامد فراوانی همراه با فعل «بودن» برخوردار است: «دل‌تنگ گذشته بودن»، «برای گذشته دل‌تنگ بودن».

نوستالژی با «غم و غصه» در ارتباط معنایی مستقیم قرار دارد. غصه به‌عنوان مترادف معنایی برای واژه «غم» از ریشه «غص» می‌آید و آن در معنای گیرکردن چیزی در حلق است که تداعی‌کننده معنای واژگانی «غم و غصه» است. واژگانی که بر غم و غصه در زبان و ادب فارسی دلالت دارند، بیانگر قرارگیری احساس به مثابه ماده‌ای درون ظرف بدن، یعنی «دل» هستند. انسان به هنگام تجربه حسی، خود یا برخی از اعضای بدنش را ظرفی می‌بیند که آن حس به مثابه ماده‌ای در آن جای می‌گیرد. راه یافتن «غم / غصه» به «دل» مانند «حسرت» به کمک فعل «خوردن» بیان می‌شود (محمدی، عبدی: ۱۴۰۲: ۲۹۹-۲۹۳).

نوستالژی با «یادها و خاطره‌ها» воспоминания در ارتباط مستقیم است، چرا که بازگویی و به یادآوری خاطرات و قصه‌های گذشته را نقل کردن، از ستون‌های اصلی معنایی شکل‌دهنده نوستالژی است (شریفیان، ۱۳۸۵: ۳۸). بدون خاطره، داشتن نوستالژی ممکن نیست. معنای یاد و خاطره با سپری شدن بعد زمانی ارتباط مستقیم دارد. تکرار شدن گذشته در ذهن انسان شرط لازم شکل‌گیری خاطرات است. این خاطرات لازم است ترکیبی از خاطرات خوب و بد باشد؛ چنانچه یکی از آن دو نباشد، آن خاطره فاقد معنای نوستالژی خواهد بود. و از همین روی، بخشی از فرمول‌های نوستالژی در هر دو زبان مورد مطالعه، دربردارنده واژه «یاد / خاطره» هستند: «خاطره ... زنده شد برایم»، «یاد ... فلانی / فلان جا بخیر»، «یادش بخیر!» (ضمیر متصل ش می‌تواند هم بر انسان و هم بر غیر آن دلالت داشته باشد).

Воспоминания и ностальгия часто возвращали ее в родной город (Владимир Будников. Четырежды романтическая душа).

خاطرات و (حس) نوستالژی اغلب او را به زادگاهش می‌کشاند (ولادیمیر بودنیکوف، چهار برابر روح عاشقانه).

در هر دو زبان مورد بررسی، برابره‌های زبانی زیر را نیز در ارتباط با «یاد(ها) / خاطره (خاطرات)» می‌توان متمایز شد:

Мне на ум пришли خاطرات گذشته را
плошые воспоминания. به یاد / خاطر آوردم.

Я снова вспомнил به بازم گذشته‌ها
прошлое. خاطر آمد.

Прошлые یاد گذشته در من
воспоминания ожили в جان گرفت.
памяти.

در زبان روسی، مترادف معنایی برای «نوستالژی» که از بسامد کاربرد بالایی برخوردار است، واژه тоска (حسرت / دل‌تنگی) است که در معنای زیر آمده است: نخست، تشویش روحی که همراه با غم و اندوه و نومیدی باشد؛ و دیگر، دل‌تنگی و آنچه موجب سر رفتن حوصله باشد و جالب نباشد (اوژگوف^۸، 1988: 656). در فارسی، «حسرت» برابر (۱) افسوس خوردن و تأسف داشتن؛ و (۲) افسوس، دریغ، (۳) هنگامی که بخواهند چیزی را کمتر از آنکه ادعا شده ارزش دهند، آمده است. روشن است از یک سوی، شمول معنایی тоска در روسی به مراتب بیشتر از «حسرت» در فارسی به‌عنوان برابر «نوستالژی» است. و از سوی دیگر، در زبان فارسی شمار واژگان و ترکیب‌هایی که برای نوستالژی به کار می‌رود نسبت به روسی از دایره گسترده‌تری برخوردار است.

گسترش معنای «نوستالژی» از محل افزایش ظرفیت واژه نوستالژی انجام می‌گیرد - شاخص فرمول به‌صورت کمی افزایش می‌یابد و از نظر کیفی تغییر می‌کند. این ظرفیت به کمک واژگانی چون грусть (غم)، скука (دل‌تنگی)، горечь (تلخی)، печаль (غم و غصه)، сожаление (تأسف و افسوس)، уныние (نومیدی) گسترده می‌شود. نقش این اسامی مجازی، ارزش بخشیدن معنایی است.

Тоска берет (چه کسی را؟) /
тоска взяла (кого? /
меня) (1) فرا می‌گیرد / فرا گرفته (1)

Тоска охватила (چه کسی را؟)
кого? (2) در بر گرفته است.

Тоска томит (چه کسی را؟) از بین
кого? (3) برده است. در ارتباط معنایی با
تحمل درد و رنج

Тоска (چه کسی را؟) رنج
замучила кого? (4) می‌دهد.

از نظر معناشناختی، همگی فرمول‌های بالا بر فشار و سنگینی و رنج حاصل از نوستالژی دلالت دارند. در برابر فارسی

فرمول‌های زبانی (۱) تا (۳) در زبان فارسی، معادل *тоска* را اگر نه «دل‌تنگی»، بلکه «غم (و اندوه)» در نظر بگیریم، می‌توان برای آن صورت‌ها برابر معنایی زیر را در زبان فارسی قائل شد: غم و اندوه او را فرا گرفته؛ (۲) غم و اندوه او را دربر گرفته؛ (۳) غم و اندوه او را از بین برده. گسترده‌های فرمول‌های بالا در زبان فارسی عبارتند از *از سر تا پای او را / تمام وجود او را: از سر تا پای او را غم فرا گرفته؛ تمام وجود او را غم فرا گرفته*. برابر معنایی *тоска* در فرمول (۴) می‌تواند «غم (غم‌غریب)» باشد: (سنگینی) *غم غریب او را رنج می‌دهد*. در فرهنگ کلامی روسی از ترکیب اسم و صفت *чужая страна* (کشور بیگانه) و یا اسم *чужбина* (غریب) در معنای «غم (غم‌غریب)» استفاده می‌شود (در این باره بنگرید به اصطلاح *Научит горюна чужая сторона* (کشور غریب غصه‌دار را درس می‌دهد). در همین مقاله).

اسم «دل‌تنگی» / «حسرت» می‌تواند با صفات کیفی زیر همراه شود: صورت‌های منفی صفت همراه با پیشوند «بدون-» / «بی-»؛ *без- / бес-, не-*. در این صورت، این ترکیب‌ها بر نامحدود بودن محور زمان برای این اسم و یا نبود کیفیت-های «نور» *свет*، «امید» *надежда* و «عقل» *ум* دلالت دارند و از این مسیر حکایت از پیوند نوستالژی با مفاهیم *грусть* غم، *скука* دل‌تنگی، *горечь* تلخی، *печаль* غم و غصه، *сожаление* تأسف و *уныние* نومیدی دارند: *безумная тоска* حسرت جنون‌آمیز (تأکید بر دور از عقل بودن)؛ *бездонная тоска* حسرت و اندوه عمیق (تأکید بر بی‌پایان بودن و بی‌انتهای بودن)؛ *неодолимая тоска* حسرت و اندوه رفع‌نشدنی (تأکید بر آنکه بی‌پایان است)؛ *беспросветная тоска* حسرت و اندوه نومیدکننده (تأکید بر نبود کیفیت «نور»)؛ *безнадежная тоска* حسرت و اندوه نومیدکننده (تأکید بر نبود امید). برای صفت «نومیدکننده» در زبان فارسی می‌توان مترادف «مأیوس‌کننده»، و برای صفت «بی‌پایان» مترادف‌های «بی‌انتهای» و «بسیار» را نیز قائل شد. کیفیت‌هایی که بر درد و رنج همراه با حسرت و تلخی غم نوستالژی دلالت دارند، می‌تواند شامل صورت‌های ذیل باشد: *зловещая тоска* اندوه شوم؛ *мучительная тоска* اندوه مرگ‌آور؛ *адская тоска* اندوه جهنمی؛ *жгучая тоска* اندوه جانسوز (سوزان).

نمونه‌های زبانی بالا در زبان روسی و برابره‌های فارسی به‌خوبی نشان می‌دهند که در تمام نمونه‌های زبانی فوق در

زبان روسی واژه *тоска* در معنای نوستالژی به کار رفته است، درحالی‌که قرار دادن معادل فارسی ثابت و یکسان در فارسی دریافت معنا را دچار مشکل می‌کند. این نکته از آنجا بر می‌آید که نوستالژی در فرهنگ کلامی ایرانیان از تنوع واژگانی بیشتری از محل ظرفیت‌های معنایی و واژگانی چون *غم، اندوه، دل‌تنگی، غم و غصه، غم و درد، آه و افسوس و نومیدی* در اندیشه دو ملت به اشکال گوناگونی مطرح می‌شود. همه بر ارتباط مفاهیم زبان، فرهنگ و اندیشه آگاهییم (صادقی سهل-آباد، ۱۴۰۰: ۲۹۸) و قرار گرفتن الگوهای اندیشه در مبحث فرهنگ روشن است (صابونچی، ۱۳۹۶: ۳۳۷). بنابراین الگوهای زبانی متفاوت، تفاوت در الگوهای اندیشه دو زبان مورد بررسی را نشان می‌دهد. اندیشه ایرانیان موجب ایجاد مترادف‌های معنایی بسیار برای واژه نوستالژی در زبان و ادب فارسی شده است.

تداوم قرار گرفتن در حس نوستالژی موجب غرق شدن انسان در آن می‌شود. این معنا به کمک وارد کردن ساختارهای قیدی با هر روزی که از راه می‌رسد *с каждым наступающим днем* پیوسته / *постоянно*، اغلب *часто* / بیشتر *очень часто*، گاهی / *иногда* گذری *порой* انتقال می‌یابد. افزودنی است از آنجاکه این حس عموماً با نومیدی در پیوند مستقیم است، می‌تواند با قید زمان در *лحظات* / در دقایق *нумидии* نومیدی همراه گردد. بازگشت و تکرار این حس می‌تواند به کمک قیده‌های *опять / دوباره* / *из-за* و *с новой силой* با نیروی جدید بیان شود:

غم (دل‌تنگی) ... با	Тоска по ... с новою
نیرو و توان نویی او را فرا	силою овладела
گرفت.	(кому?)

کاربرد ساختار اضافی به همراه حرف اضافه *у* در معنای «داشتن / دارا بودن ...» از ساختارهای پربسامد بیان حس نوستالژی / دل‌تنگی در زبان روسی است:

(چه کسی؟) نوستالژی ... دارد.)	У кого
(چه کسی؟) نوستالژی دارد.	тоска по ...

تکرار دست دادن این حس بر انسان به کمک فعل *бывать* (بودن به دفعات در مکانی) در زبان روسی بیان می‌شود:

گاهی (گاه) / اغلب او	Порой / часто у
نوستالژی ... دارد.	кого бывала тоска по
...	...

همان گونه که گفته شد، شکل گیری نوستالژی / دلتنگی و حسرت با «غم و درد» همراه است. از همین روی یکی از افعال پر بسامد در همراهی این ساختار، فعل мучить «رنج دادن» است:

Его (ее) (кого?) / چه کسی را؟
 мучила ностальгия / رنج می-دهد.
 тоска по ...

چیرگی این حس در معنای حاصل شدن نتیجه نوستالژی و تسلط آن بر شخص، به کمک صورت گذشته فعل охватить (در برگرفتن) بیان می‌شود:

Кого?) охватила / غم غربت (چه کسی را؟)
 тоска по родине. / فراگرفته.

پایان گرفتن این حس عموماً به کمک ساختار مجهول گذشته مونث (تمام شد) بیان می‌شود:

Кончилась / (حس) نوستالژی /
 ностальгия / тоска по / دلتنگی و حسرت تمام شد / گرفت.
 ...

دست دادن حس نوستالژی / دلتنگی و حسرت در بیشتر زمان‌ها به معنای تداوم آن در شخص به کمک صورت زمان حال فعل охватывать بیان می‌شود:

В минуты отчаяния его охватывает /
 чувство тоски по родине, тоски по /
 прошлому.

در دقایق نومیدی او را غم غربت و حسرت برای گذشته می‌گیرد.

پیوسته بودن حس نوستالژی و تداوم آن نه تنها به کمک ساختارهای قیدی همراه فعل که بر تداوم آن دلالت دارند، بیان می‌شوند، بلکه این معنا در هسته معنایی فعل возрастать «بیشتر شدن / فزونی گرفتن» نیز منتقل می‌شود:

Гем и اندوه (نوستالژی) / тоска (Чья?)
 (در چه کسی؟) بیشتر شده /
 возростала. / است.

С каждым наступающим днем возростала /
 тоска ее.

با هر روزی که فرامی‌رسید، غم و اندوه او فزون‌تر /
 بیشتر می‌شد.

بازگشت به گذشته از ویژگی‌های مهم نوستالژی است. یکی از ابزار تداوم آن به کمک ساختار فعلی тоска вернулась / دلتنگی / نوستالژی بازگشته است، بیان می‌شود:

Тоска опять / حس دلتنگی (به چه کسی؟) به او بازگشته
 вернулась (к кому?) / است.

در ذهنیت ایرانیان دلتنگی و حسرت چون غمی سنگین بسان «مار» / «طنابی» می‌تواند به دور گردن بپیچد؛ در ذهنیت روسی از آنجاکه جایگاه احساسات «قلب» است، این دلتنگی مانند «ماری» змеей (چون مار / حالت صرفی «بایی») به دور قلب می‌پیچد و احساس خفگی به انسان می‌بخشد. (Тоска обвилась змеей вокруг сердца. / دلتنگی چون ماری دور قلب پیچیده.) این حس می‌تواند به قلب انسان «قدم نهد» (Тоска подступала (у кого?) к сердцу. / دلتنگی بر قلب (کسی) وارد شد.) و قلب را تحت فشار روحی روانی قرار داده است. (Тоска сжала (кому?) сердце. / غم و اندوه قلب (چه کسی را؟) به فشار / درد آورده است.) (Тоска защемила сердце. / غم و اندوه قلب را (چه کسی را؟) از هر سوی به فشار می‌آورد/ به درد می‌آورد.) Тоска давит. / دلتنگی عرصه را تنگ کرده است (فشار می-آورد.) و (Тоска надрывала (чь?) сердце. / قلب را «پاره پاره کرده است».

توان گرفتن حس نوستالژی عموماً بر «روح و جان» آدمی است. از این روی فعل овладеть – овладеть «مستولی شدن» / «دست دادن» در فارسی از بسامد بالایی در همراهی با این اسم برخوردار است:

Тоска овладевает / غم و اندوه روح (چه کسی؟) را فرا می‌گیرد.
 (чьей?) душой /
 /душою.

اگر از نظر معنایی غم، قلب را می‌فشارد و آن را پاره پاره می‌کند / «روح» انسان را انباشته از خود می‌سازد:

Тоска (غم و اندوه روح را انباشته می‌کند.) /
 наполняет душу. / دل انباشته از غم و اندوه است.

Тоска берет / غم و اندوه روح (چه کسی را؟) با خود برده
 (кого?) за душу. / است.

انباشتگی و فراوانی این اندوه بر روح انسان در فرهنگ کلامی روسی به شکل‌های زیر می‌تواند بیان شود:

Тоска навалилась / غم و اندوه بر (دل) /
 (на кого?) / چه کسی؟ ریخته است.

غم و اندوه (چه کسی را؟) غرق خود کرده است.
Госка захлестнула (кого?).

فعل «گریزند» استعاره از رنج و فشار و درد حاصل از حس نوستالژی است که در زبان فارسی از آن به غم و اندوه تعبیر می‌شود:

غم و اندوه شروع به جویدن می‌کند. (جویدن کنایه از درد و رنج دارد.)
Госка начинает грызть душу.

غم و اندوه دل و جان را می‌جوید.
Госка грызёт душу.

غم و درد دوری از گذشته / میهن می‌تواند در ظاهر شخص / در «چشمان» او آشکار شود. اصطلاح «غم به چشمان او نشست» در فرهنگ کلامی ایرانیان ناشی از همین معناست. در فرهنگ کلامی روسی عبارت مشابهی به کار می‌رود: В его глазах засела тоска. در چشمان او غم نشست.

فرمول‌های زبانی نوستالژی عموماً با معنای احساسی «دریغ و افسوس» همراه‌اند؛ علاوه بر ساختارهای زبانی بالا، که معنای مشخص‌تری از واقع شدن نوستالژی را نشان می‌دهند، عبارت‌های اندوهناکی چون رفت، برفت، کو، کجاست، نماند، بمرد، نیست، خاموش شد، گریست، گرییم، گریید نیز ساختار نوستالژی را در متن شکل می‌دهند (جلالی پندری و همکاران، ۱۳۸۹: ۸).

از پربسامدترین مترادف‌های معنایی «دریغ و افسوس» در زبان روسی، ساختارهای К сожалению! (متأسفانه! / حیف!) و К несчастью! (بدبختانه! / حیف!) هستند. Жаль! (حیف!، افسوس!، دریغ!) در فرهنگ نفسی‌ری اژیگوف این‌گونه تفسیر شده است: ۱) آن در نقش خبر واقع می‌شود و بر احساس افسوس و رنج نسبت به کسی / چیزی دلالت دارد؛ ۲) در نقش خبر واقع می‌شود و در معنای افسوس و حسرت برای از دست دادن چیزی است؛ ۳) در نقش خبر واقع می‌شود و همراه با حروف ربط (که)، و (اگر) همراه می‌شود؛ ۴) در نقش حشو می‌نشیند بدین معنا که حذف آن خللی در معنای متن ایجاد نمی‌کند (اوژگوف، ۱۹۸۸: ۱۵۴). صورت مترادف Жалость! در معنای غم و افسوس و با حسرت به چیزی نگریستن است (همان). صورت تشدید شدهٔ Как жаль! چه حیف!،! Какая жалость! (چه حیف!) شکل می‌گیرد. مقولهٔ دستوری قید در زبان روسی به فراوانی وضعیت احساسی دریغ

و افسوس را در قالب جملات تک عضوی شکل می‌دهد: Грустно! (غم‌انگیز است!)، Горко! (تلخ است!). این ناشی از آن است که فعل «است» در زمان حال در زبان روسی از بسامد کاربردی اندکی برخوردار است و در معنا نهفته است. در زبان روسی مانند زبان فارسی بخشی از صورت‌های زبانی بیان «حسرت و دریغ» به حرف ندا اختصاص دارد. از آن جمله است حرف ندای Увы! که بیانگر شگفتی و تعجب و تأسف در موضوعی است؛ این حرف ندا در ترکیب با حرف ندای «آخ» از بسامد بالایی برخوردار است! Увы и ах! (افسوس و آه!)؛ همچنین شاهد به‌کارگیری حروف ندای Ох и Ах! (آخ و آخ!) و Эх! (آخ!) و حرف ندای محاوره‌ای Леле! (لله!) در فرهنگ کلامی روسی هستیم.

حوزهٔ ساختاری و معنایی مفهوم مالیخولیا بازتاب‌دهندهٔ انواع معانی است که نمایانگر ویژگی‌های مفهومی متفاوتی است که بار احساسی و عاطفی ویژه‌ای دارند. احساسات عمیق - تر دلتنگی با از دست دادن میهن و زادگاه / خانه پدری همراه است و در داستان‌های عامیانه و ضرب‌المثل‌ها بازتاب می‌یابد:

Научит (غم غربت (کشور) горяна чужая сторона. (در غربت، میهن را درس می‌دهد.)

На чужой стороне Родина (در غربت، میهن دوچندان نازنین‌تر است.) милей вдвойне.

На чужбине (در غربت، میهن به خواب آدم می‌آید.) родная земляца во сне снится.

На чужбине и собака тоскует. (در غربت، سگ هم دلتنگ می‌شود.) (تاباکووا، ۲۰۱۷: ۵۰).

«مدینه گشتی و کردی کیابم.» و «هر سال دریغ از پارسال!» از تعبیرات کنایی نوستالژی در ادب فارسی هستند. ۵. نتیجه‌گیری

نوستالژی را در زبان فارسی برابر با «حسرت» دانسته‌اند. حسرت دارای دو معنای اصلی «دلتنگی» و «حسد» است. در نوستالژی «حسرت» هم‌معنای «دلتنگی» قرار می‌گیرد. این ساختار برای تکمیل بار معنایی خود و انتقال معنای نوستالژی نیاز به گسترده‌های زبانی حالت اضافی بدون / همراه حرف اضافه دارد. محرک اصلی شکل‌گیری نوستالژی میهن، اتوپیا

⁰⁰ Tabakova

⁹⁹ Ozhegov

вопросы методов медиаисследований.
№ 2 (48). С. 18–24

Вежбицкая А. (1996) *Русский язык . Язык. Культура. Познание.*-М.Н русские словари, 1996.

Воробьева А.В. Раскатова Е.М. (2009) «Советское» в постсоветском культурном пространстве: структурно-типологический аспект // *Вестник гуманитарного факультета ИГХТУ*. Вып. 4. С.: 22-28.

Желтикова И.В. (2013) Утопия как образ будущего. *Научные ведомости. Серия философия. Социология. Право*, № 9 (152), выпуск 24. С.: 302-311.
<https://cyberleninka.ru/article/n/utopiya-kak-obraz-buduschego>

Зыховская Н.Л. (2015) Ностальгия по прошлому через призму ольфакторной образности (на материале русской прозы XIX в.). *Вестник Челябинского государственного университета*. № 27 (382). Филологические науки. Вып. 98. С.85-90.

Маслий Е.В. (2016) Динамика слова ностальгия как пример инверсионного механизма смыслообразования. *Вісник ХАРКІВСЬКОГО НАЦІОНАЛЬНОГО УНІВЕРСИТЕТУ імені В. Н. КАРАЗІНА* Серія «ФІЛОЛОГІЯ» ВИПУСК 74. С.: 192-196.

Ожегов С.И. (1988) *Словарь русского языка: ОК. 57000 слов*. Под ред. Чл.корр. АН СССР Н.Ю. Шведовой.- 20-е изд., стереотип. М.: Рус.яз.- 750 с.

Словарь русского языка: В 4-х т. (1983) / АН СССР, ин-т рус.яз.; Под ред. А.П. Евгеньевой.- 2-е изд., испр. и доп.-М.:

است و آن ترکیبی از آرزو و خیالبافی و «یافتن» آرمان شهر است. از این آرمان شهر در ادب فارسی به شهر آرمانی، ناکجاآباد، مدینه فاضله و بهشت گم شده تعبیر می شود. نوستالژی در دو زبان مورد بررسی با احساساتی چون «غم و اندوه»، «درد و رنج»، «حسرت و اندوه»، «حسرت و افسوس»، «غم غربت» و مانند آن توأم است. اسم *тоска* در روسی از شمول معنایی کامل تری نسبت به برابر خود در زبان فارسی برای انتقال معنای «نوستالژی» برخوردار است. ردیف های واژگانی مورد کاربرد در فارسی برای معادل «نوستالژی» نسبت به روسی از تنوع واژگانی بالاتری برخوردار است. برای نمونه، ترکیب های «غم غربت» و «غم دوری از وطن» در فرهنگ کلامی فارسی به جای *тоска по родине* (دلتنگی میهن) در روسی به کار می روند و از این نظر غنای واژگانی بیشتری را در فارسی شاهد هستیم. تکمیل این معانی در روسی به صورت غیرمستقیم به کمک وابسته های ثانوی *чужая страна* (کشور غریب) و *чужбина* (سرزمین غریب) محقق می شود. علاوه بر آن، حس دست دادن نوستالژی در روسی عموماً «فاعل» واقع می شود و انسان در قالب متمم قرار می گیرد، درحالی که در فارسی حس نوستالژی محیطی است برای انسان و از همین روی با ساختارهای «دری» در معنای واقع شدن در مکانی مواجه هستیم: *Его берёт тоска* (حسرت او را می برد.) / «او در حسرت است.»

فهرست منابع

Pickering M., Keightley E. (2006) The modalities of nostalgia // *Current Sociology*. Vol. 54(6). P. 919–941.

<https://doi.org/10.1177/0011392106068458>

Абрамов Р.Н. (2012) Время и пространство ностальгии. *Социологический журнал*. № 4. С.: 5-22.

<https://cyberleninka.ru/article/n/vremya-i-prostranstvo-nostalgii>

Амиров В.М., Колчин Д.С. (2023) Функционирование идеологемы «постсоветское пространство» в российских политических медиатекстах. *Теория журналистики и*

https://rhetorical.semnan.ac.ir/article_3313.html

جلالی پندری، یدالله. کهدویی، محمد کاظم. میرحسینی، مژگان (۱۳۸۹). بررسی عنصر «حسرت» در اندوهیادهای شاعران معاصر. *پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان*. سال هشتم. شماره چهاردهم. صص ۲۶-۵.

https://jllr.usb.ac.ir/article_942.html

دادور کاشانی، مستوره. موسوی جروکانی، سید حامد (۱۴۰۱). بررسی طرح‌واره‌های تصویری حسد و حسرت در بوستان سعدی. *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*. سال چهاردهم. شماره پنجاه و پنجم. صص ۱۸۰-۱۶۱.

<https://doi.org/10.30495/pars.2022.699842>

سیدحسینی، رضا (۱۳۶۶). *مکتب‌های ادبی*. جلد اول. تهران: نگاه.

شاملو، سعید (۱۳۷۵). *آسیب‌شناسی روانی*. چاپ ششم. تهران: رشد.

شریفیان، مهدی. تیموری، شریف (۱۳۸۵). بررسی فرآیند نوستالژی در شعر معاصر فارسی. *کاوش‌نامه*. سال هفتم. شماره ۱۲. صص ۳۳-۶۲.

https://kavoshnameh.yazd.ac.ir/article_2337.html#:~:text=10.29252/KAVOSH.2006.2337

صابونچی، مهتاب (۱۳۹۴). اهمیت شناخت فرهنگ در ترجمه با استناد بر چند نمونه. *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*. دوره ۵، شماره ۲. صص ۳۵۱-۳۳۳.

<https://doi.org/10.22059/jflr.2015.62555>

صادقی سهل آباد، زینب. (۱۴۰۰). بازنمایی فرهنگ در فرآیند آموزش زبان خارجی از دیدگاه زبان‌شناسان روس. *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*، (۱۱)، ۲

<https://doi.org/10.22059/jflr.2021.324236.845>

Русский язык, 1981-1984. Т. 2. К-О. 736 с.

Словарь русского языка: В 4-х т. (1984) / АН СССР, ин-т рус.яз.; Под ред. А.П. Евгеньевой.- 2-е изд., испр. и доп.-М.: Русский язык, 1981-1984. Т.4. С-Я. 794 с.

Словарь-тезаурус синонимов русской речи (2007) / под общ. Ред. Л.Г.Бабенко.-М.: АСТ-Пресс Книга.-994 с.

Смирнова Ю.Д. (2011), Утопия, утопизм, утопическое сознание – основные смыслы. *Ученые записки Казанского университета*. Том 153. Кн. 1. С.: 141-148.

Табакова З.П. (2017) Концепт ностальгия в русской ментальности. *Международный журнал. Естественно-гуманитарные исследования №18(4)*. С.: 49-55

<https://cyberleninka.ru/article/n/kontsept-nostalgiya-v-russkoy-mentalnosti>

Чеснокова Л.В. (2016) Философские смыслы ностальгии как тоски по родному дому. *Альманах современной науки и образования Тамбов: Грамота. № 1 (103)*. С. 126-129

Щербинин А.И., Щербинина Н.Г. (2010) Политический конструкт «Победа» в контексте феномена ностальгии по советскому // *Вестник Томского государственного университета. Филология. Социология. Политология. № 3 (11)*. С. 7-23.

احسانی اصطهباناتی، محمدامین. عبداللهی، منیژه (۱۳۹۷). تصویرسازی با عاطفه اندوه و حسرت در اشعار سیاوش کسرایی. *دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات زبانی و بلاغی*. سال ۹. شماره ۱۷. صص ۳۴-۷.

و سبک‌شناسی. شماره ۳ (پی در پی ۳۷). صص ۲۰۲-۱۸۳.

<https://sanad.iau.ir/journal/lit/Article/667579?jid=667579>

صادقی، معصومه (۱۴۰۰). بررسی پدیده نوستالژی (غم غربت) در شعر نادر نادرپور. *دوفصلنامه پژوهش‌های ادبی*. سال دوم، شماره دوم، صص ۱۵۴-۱۳۷.

عالی عباس آباد، یوسف (۱۳۸۷). غم غربت در شعر معاصر. *نشریه علمی پژوهشی گوهر گویا*. سال دوم، شماره ۶، صص ۱۸۰-۱۵۵.

https://jpll.ui.ac.ir/article_16375.html

عبداللهی نجات، سمیه. زمان احمدی، محمدضا. مدرس زاده، عبدالرضا (۱۴۰۰). غربت اندیشی عارفانه خاجو کرمانی و سلمان ساوجی. *فصلنامه علمی عرفان اسلامی*. سال هجدهم، شماره ۶۹، صص ۲۵۴-۲۳۳.

غنی‌پور ملک‌شاه، احمد. ابراهیمیان، نادر. ابراهیمیان، امیر حسین (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی مفهوم نوستالژی در اشعار سهراب سپهری و قیصر امین‌پور. *مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی*. دانشگاه محقق اردبیلی. ۶-۴ شهریور ۱۳۹۴. صص ۵۵۸-۵۳۹.

<https://sid.ir/paper/851348/fa>

محمدی منفرد، بهروز. چیستی اتوپیا. *مشرق موعود*. سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۸۷.

https://mashreqmag.sinaweb.net/article_126483.html

محمدی، سمیه. عبدی، صلاح‌الدین (۱۴۰۲). مفهوم‌سازی غم با حوزه شناختی ظرف در زبان‌های فارسی و عربی. *دوفصلنامه علمی «علم زبان»*. دوره ۱۰، شماره ۱۷، صص ۳۱۰-۳۱۰.

<https://doi.org/10.22054/ls.2022.68584.1550>

هرمزی، مرضیه (۱۴۰۱). عناصر نوستالژیک شخصی (حسرت و اندوه فردی) در اشعار نو گلچین گیلانی. *فصلنامه پژوهشنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی*. سال چهارم، شماره ۴۶، صص ۶۴-۴۹.

هرمزی، مرضیه. رحمتی، طیبه (۱۴۰۱). عناصر نوستالژیک شخصی (حسرت و اندوه فردی) در اشعار نو اخوان ثالث. *فصلنامه پژوهشنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی*. سال چهارم، شماره ۴۳، صص ۲۶۰-۲۴۹.

یوسفی، عظیم. حکیم آذر، محمد. نیکخواه، مظاهر (۱۳۹۸). بیان نوستالژیک حسین پناهی. *پژوهش‌های نقد ادبی*